

تأثیر سبک فرزندپروری دینی در پیشگیری از بزهکاری اطفال و نوجوانان (مورد مطالعه: شهر قم)

محمود مهدوی^۱، مرضیه سادات مدرس^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۱/۲۹ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۱/۲۲

چکیده

زمینه و هدف: دوران کودکی، دوران شکل‌گیری شخصیت انسان است. از این رو خانواده، یعنی نخستین محیط اجتماعی که کودک با آن رو به رو می‌شود، اولین و مهم‌ترین نقش را در تربیت او بر عهده دارد. یک خانواده سالم می‌تواند از طریق مداخله در فرآیند رشد کودکان و بهبود بخشیدن شرایط زندگی آنان، موجب کاهش عوامل جرم‌زا و در نتیجه پیشگیری از بزهکاری شود. دین مبین اسلام به عنوان کامل‌ترین دین الهی، دربردارنده اصول و روش‌های غنی فرزندپروری است که رعایت آنها در ابعاد رشدی، جامعه‌پذیری و کنترلی، ضامن سعادت و خوشبختی فرزندان خواهد بود و ترک آنها، موجب گرایش اطفال و نوجوانان به سوی بزهکاری و در معرض خطر انحراف قرار گرفتن آنها خواهد شد.

روش: در این پژوهش، در بخش نظری با استفاده از منابع دینی، مهم‌ترین شاخص‌های فرزندپروری دینی استخراج شد. در بخش میدانی، با متغیرهای حاصل از مبانی نظری و به روش پیمایشی، فرضیه‌های پژوهش آزمون شد. **یافته‌ها:** نتایج این پژوهش حاکی از آن است که رعایت اصول و شاخص‌های سبک فرزندپروری دینی در بین اطفال بزهکار و غیر بزهکار از تفاوت معناداری برخوردار است. همچنین فرزندپروری دارای ۳ حوزه اساسی رشدی، جامعه‌پذیری و کنترلی است و در هر یک از این حوزه‌ها، چندین متغیر تأثیرگذار، از آیات و روایات استخراج شده است. **نتایج:** برنامه‌های یادشده در زمینه آگاهی‌بخشی خانواده‌ها درباره دیدگاه دین نسبت به تربیت و اصلاح شیوه‌های نادرست فرزندپروری هستند تا بدین وسیله دستورات و سفارش‌های دین در متن زندگی مردم اعمال شود. همچنین در زمینه پیشگیری از جرم، می‌توان با شناسایی کودکان در معرض خطر، برنامه‌های پیشگیرانه را بر مبنای معارف دینی طراحی و در جامعه اجرا کرد.

کلیدواژه‌ها: بزهکاری اطفال و نوجوانان، فرزندپروری، فرزندپروری دینی، پیشگیری رشدمدار، حقوق کودک در اسلام

۱. استادیار حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه تهران. (نویسنده مسئول). رایانامه: mkhashi@gmail.com

۲. کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه تهران.

مقدمه

پیشگیری از ارتکاب جرم همواره مدنظر جوامع مختلف بوده و رویکردهای مختلفی برای رسیدن به این هدف اتخاذ شده است. ارعاب، سزادهی، ناتوان‌سازی، حفاظت از آماج جرم، حذف موقعیت‌های جرم‌زا و بالا بردن خطر ارتکاب جرم از جمله راهکارهای تجربه شده بشر در این زمینه است. با وجود این راهکارها، ارتکاب جرائم افزایش یافته است که این امر، ناکارآمدی راهکارهای گفته شده را نشان می‌دهد. ناکامی رویکردهای کیفی و وضعی در پیشگیری از جرم رویکردی نوین را با عنوان «پیشگیری رشدمدار»^۱ مطرح ساخته است که در این رویکرد گرایش به ارتکاب جرم نه یک واقعه بلکه یک مسیر تلقی می‌شود که از دوران کودکی و نوجوانی آغاز می‌شود (مهدوی، ۱۳۹۱، ص ۱). کودکی و نوجوانی حساس‌ترین دوران رشد انسان است. کودکان و نوجوانان برای رشد نیازمند حمایت و مراقبت ویژه هستند. در صورتی که خانواده نسبت به کودکان و نوجوانان بی‌توجه و سهل‌انگار باشد و کودک به بزهکاری روی آورده و به زندگی ناسالم عادت کند، در بزرگسالی احتمال بازگشت به اجتماع و اصلاح وی تقریباً غیرممکن می‌شود (معظمی، ۱۳۸۸، ص ۱۸).

دین مبین اسلام به عنوان آخرین دین آسمانی، در ابعاد مختلف زندگی انسان، دستورالعمل‌هایی برای حیات دنیوی و اخروی بشر ارائه کرده است. دریای گسترده معارف دینی در زمینه‌های مختلف به پاسخگویی نیازهای بشر در ابعاد مختلف زندگی فردی و اجتماعی می‌پردازد. در این میان مذهب تشیع با بهره‌گیری از منابع غنی روایات و سیره پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) پیشتاز عرصه تربیت است. معارف اسلامی ما دربردارنده همه نیازهای انسانی است و سبک و فرهنگ زندگی زیبایی ارائه می‌دهد. این سبک در قالب مجموعه‌ای کامل بر همه مسائلی انگشت می‌گذارد که متن زندگی انسان را در دنیا شکل می‌دهد. تعالیم شیعی از قبل از انعقاد نطفه تا نوجوانی را در برمی‌گیرد و با جزئیات به تمام

موضوعات تربیتی اشاره می‌کند که بسیاری از آنها بعد از ۱۴۰۰ سال و در قرن حاضر توسط علم روان‌شناسی هم به اثبات رسیده است. از آن جا که کیفیت زندگی خانوادگی و سبک فرزندپروری^۱ والدین، آثار بنیانی فردی و اجتماعی به همراه دارد می‌توان از مجموع معارف اسلامی، شاخص‌هایی را در زمینه سبک فرزندپروری دینی ارائه داد. مروری بر مجموعه معارف اسلامی در زمینه تربیت فرزند نشان می‌دهد الگویی که اسلام در این زمینه ارائه می‌دهد از ابعاد مختلف، در راستای پیشگیری از وقوع جرم است و می‌توان آن را به عنوان الگویی مطلوب در زمینه پیشگیری از وقوع جرم ارائه کرد. پژوهشگران در قالب این پژوهش به دنبال آن هستند تا شاخص‌های سبک فرزندپروری دینی که واجد آثار پیشگیرانه هستند را ارائه کنند. بنابراین پرسش‌های پژوهش حاضر عبارت‌اند از اینکه: مهم‌ترین شاخص‌های فرزندپروری در سبک فرزندپروری دینی کدامند و سبک فرزندپروری دینی در پیشگیری از بزهکاری اطفال و نوجوانان چه تأثیری دارد؟

۱۵

پیشینه: زارع شاه آبادی، اسدنژاد و تیموری (۱۳۹۹) در پژوهش خود با عنوان «مقایسه نقش خانواده و مدرسه در جامعه‌پذیری دینی دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه فیروزآباد» که به روش پیمایشی انجام شد و جامعه آماری آن کلیه دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه شهر فیروزآباد بود که تعداد ۳۶۶ نفر به‌عنوان نمونه براساس فرمول کوکران و به روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شده است. یافته‌های پژوهش یادشده نشان می‌دهد که میانگین جامعه‌پذیری دینی دانش‌آموزان از حد متوسط بالاتر است. بین جامعه‌پذیری دینی و متغیرهای پایگاه اقتصادی - اجتماعی، نقش خانواده، سرمایه فرهنگی، نقش معلم، شیوه‌های فرزندپروری، انواع سبک‌های مدیریتی، نقش مربی و نقش محتوای کتاب‌های درسی، رابطه معناداری وجود دارد. نقش خانواده در کل در جامعه‌پذیری دینی دانش‌آموزان بیشتر از مدرسه است. فرمهبینی فراهانی (۱۳۹۸) در پژوهش خود با عنوان «نقش تربیت در پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی، با تأکید بر اهداف، اصول، روش‌ها و شیوه‌های تربیت

اسلامی» که با هدف بررسی نقش تربیت اسلامی در پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی انجام شد به این نتایج رسید که از منظر تربیتی، پیشگیری بهترین راه مقابله با آسیب‌های اجتماعی است. اقدامات پیشگیرانه شامل: تمرکز بر آگاه‌سازی متربی و تقویت مهارت‌های اجتماعی. ۱۰ هدف تربیتی، ۱۵ اصل تربیتی و ۱۲ شیوه تربیتی مواجهه با آسیب‌های اجتماعی شناخته و ارائه شد. اولویت‌هایی را که در این مسیر باید به آن توجه کرد عبارت‌اند از: تمرکز ویژه بر برنامه‌های پیشگیری اولیه در مدارس همراه با طراحی و استقرار نظام آموزش درسی و کمک درسی پیشگیری با تأکید بر اجرای آن مبتنی بر الگوی آمایش سرزمین. محمدی، بیژنی میرزا و حاتمی (۱۳۹۷) در مقاله خود با عنوان «نقش خانواده، مدرسه و رسانه در پیشگیری از وقوع جرم با تأکید بر معیارهای بین‌المللی حاکم بر تعهد دولت‌ها در آموزش افراد» که با هدف بررسی راهکارهای اجتماعی پیشگیری از بزهکاری توسط خانواده، مدرسه و رسانه انجام شد به این نتیجه رسیدند که بهبود نظام آموزشی و گنجاندن درس مروج قانون و قانون‌پذیری در کتب درسی و استفاده از برنامه‌های حمایتی ناظر به خانواده و هدایت درست برنامه‌های رسانه‌ها می‌توانند راه‌های مؤثری برای حمایت از کودکان در معرض خطر باشند. مکتوبیان بهارانچی؛ کلانتر کوشه و خوانین زاده (۱۳۹۴) در پژوهش خود با عنوان «ساخت و هنجاریابی پرسشنامه فرزندپروری در نگرش اسلامی»، پرسشنامه‌ای درباره فرزندپروری بر اساس عوامل اسلامی تدوین، و برای تعیین روایی محتوایی از متخصصان علم تربیت و مشاوره نظرخواهی کردند. پس از اعمال نظر ایشان، پرسشنامه نهایی همزمان با پرسشنامه فرزندپروری بامریند^۱ بر روی ۱۲۲۰ نفر از دانش‌آموزان مقطع متوسطه سال ۱۳۹۴ در نواحی ۱، ۲ و ۳ شهرستان اصفهان اجرا شد. با اجرای تحلیل عاملی، شش عامل از پرسشنامه استخراج شد که در مجموع، ۵۴ پرسش از ۱۸۲ پرسش طرح شده را در بر گرفت و ۵۶ درصد از واریانس پرسش‌ها را تبیین کرد. پس از آن به نامگذاری عوامل از طریق تحلیل عاملی اکتشافی پرداخته شد که عبارت است

از: اخلاص والدین در تربیت، ارزش‌های تربیتی، منطق در تربیت فرزندان، ارتباط انسان در تربیت، اهتمام والدین به نقش خدا در زندگی و بی‌مبالاتی والدین در تربیت دینی.

مبانی نظری: روان‌شناسان رشد همواره علاقه‌مند بوده‌اند که چگونگی تأثیر روش‌های تربیتی والدین را بر رشد قابلیت‌های اجتماعی کودکان مطالعه و بررسی کنند. یکی از مهم‌ترین مباحث در این حوزه «فرزندپروری» نامیده می‌شود. فرزندپروری، فعالیت پیچیده و شامل رفتارهای اختصاصی و مهارت‌هایی می‌شود که هر یک از والدین جداگانه یا با مشارکت یکدیگر از این مهارت‌ها استفاده می‌کنند تا رفتار کودک خود را تحت تأثیر قرار دهند. در واقع پایه و اساس شیوه فرزندپروری، بیانگر تلاش‌های والدین برای کنترل و اجتماعی کردن کودکانشان است. البته باید توجه داشت که در این تعریف، روش‌های بهنجار فرزندپروری مدنظر است و روش‌هایی چون سوءاستفاده از کودکان را دربر نمی‌گیرد (شکوهی یکتا، ۱۳۸۵، ص ۱۱۶). از فرزند پروری با عنوان تربیت فرزند هم یاد می‌شود. برای دانستن مفهوم تربیت دینی ابتدا لازم است تصویری از تربیت و دین داشته باشیم. تربیت در لغت به معنای پروراندن یا پرورش دادن و به فعلیت رساندن نیروهای بالقوه آمده و در اصطلاح، فرآیندی است که نتیجه آن تغییر رفتار فرد (اعم از ظاهری و باطنی) و کسب هنجارهای مورد قبول است و پرورش واقعی در صورتی محقق می‌شود که جریان تربیت براساس فطرت و سرشت متربی انجام گیرد. دین نیز در لغت به معنای کیش، آئین و طریقت است (اکبری، ۱۳۸۸، ص ۱۵-۱۶). علاوه بر این، دین، «مجموعه گزاره‌های معتبر به جا مانده از مرجع یا مراجع مهم یک دین» نیز تعریف شده است (حسینی‌زاده و داوودی، ۱۳۸۹، ص ۲۵-۲۶). این گزاره‌ها یا به صورت مکتوب و در یک متن مشخص (مانند قرآن، تورات و انجیل) هستند و یا به صورت شفاهی از طرق معتبر نقل شده‌اند. حضرت علی (ع) می‌فرماید: والدین باید برای آموزش و تربیت فرزندان بهترین شیوه‌ها را به کار

گیرند.^۱ همچنین رسول اکرم (ص) پذیرش مسئولیت آموزش و پرورش فرزند از ناحیه والدین را، حق فرزند بر والدین دانسته و بر لزوم آن تأکید فرموده است.^۲ امام صادق (ع) نیز به نقش مهم والدین در بهداشت روانی فرزندان اشاره فرموده و مصونیت فرزندان و نسل‌های بعدی آنان را از ابتلا به ناهنجاری‌های روانی، اخلاقی، شخصیتی و اجتماعی، به نوع عملکرد آموزشی و تربیتی والدین منوط دانسته است.^۳

شیوه‌های فرزندپروری: محققان تحقیقات گسترده‌ای درباره سبک‌های فرزندپروری و پیامدهای آن به عمل آورده و بر آن اساس چهار سبک فرزند پروری را مطرح کرده‌اند: ۱- خانواده‌های مقتدر^۴؛ ۲- خانواده‌های سهل گیر^۵؛ ۳- خانواده‌های سخت گیر و مستبد^۶ و ۴- خانواده‌های طردکننده یا مسامحه کارانه.^۷

سه نوع اول دسته بندی را بامریند مطرح کرده است. دو محقق به نام‌های مکوبای^۸ و مارتین^۹ با اقتباس از الگوی سه گانه بامریند، الگوی والدین طردکننده را هم مطرح کرده‌اند. هر یک از این الگوهای فرزندپروری با بروز رفتارها و ویژگی‌های خاصی در فرزندان رابطه نشان داده‌اند؛ برای مثال «عزت نفس بالا، پیشرفت تحصیلی و کفایت‌های اجتماعی از جمله متغیرهایی است که با فرزندپروری مقتدرانه رابطه دارد. همچنین مشکلات رفتاری، افسردگی و سایر مشکلات روان‌شناختی با فرزندپروری مسامحه کارانه مرتبط هستند (شکوهی یکتا، ۱۳۸۵، ص ۱۱۵).

۱. «...و أنك مسئول عما ولیته من حسن الادب و الدلاله علی ربه ...» (قمی، صدوق، محمد بن علی بن بابویه، من لایحضره

الفقیه، قم: دفتر انتشارات وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم: ۱۴۱۳ ه. ق، ج ۲، ص ۶۲۲).

۲. «حق الولد علی الوالد أن...یحسن ادبه» (نهج البلاغه، ص ۵۲۶، حکمت ۳۹۹).

۳. «أن الله لیفلح بفلح الرجل المؤمن ولده و ولد ولد...» (مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت: مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ ه. ق،

ج ۱۳، ص ۳۱۲)

4. Authoritative
5. Permissive
6. Authoritarian
7. Neglectful
8. Maccoby
9. Martin

در خانواده‌های مقتدر، شیوه فرزندپروری انعطاف‌پذیر است و والدین در عین محدودیت‌هایی که برای فرزندان ایجاد می‌کنند، به آنان آزادی عمل داده و برای این روش ادله‌ای را به فرزندان بیان می‌کنند. آنان به نیازها و دیدگاه‌های فرزندان به نحوی صحیح پاسخ می‌دهند و فرزندان را در تصمیم‌گیری‌های خانوادگی دخالت می‌دهند. در صورت لزوم از اعمال قدرت استفاده می‌کنند، البته برای این کار نیز استدلال ارائه می‌دهند (سالاری‌فر، ۱۳۸۹، ص ۳۱۶-۳۱۷). در این خانواده افراد حق اظهار نظر دارند و ارتباط کلامی وسیعی بین کودک و والدین وجود دارد و گرمی، صمیمیت و محبت نسبت به کودک در آن در سطح بالایی است (بیریا، ۱۳۸۵، ص ۸۷۴).

درخواست و انتظارات والدین سهل‌گیر از فرزندان‌شان کم است، فرزندان اجازه دارند بی‌هیچ قید و بندی احساسات و تکانش‌های خود را ابراز کنند و والدین، کنترل مناسبی بر فعالیت‌ها و رفتار کودکان ندارند (سالاری‌فر، ۱۳۸۹، ص ۳۱۶). از دیگر ویژگی‌های این خانواده، بی‌توجهی به آموزش رفتارهای اجتماعی است. در این گونه خانواده‌ها قوانین بسیار کمی وجود دارد و افراد نسبت به اجرای قوانین و آداب و رسوم اجتماعی تقید زیادی ندارند و هرکس هر کاری بخواهد می‌تواند انجام دهد و دخالت در کارهای یکدیگر معنا ندارد؛ زیرا در خانواده سهل‌گیر به تعداد افراد خانواده نظر وجود دارد، حتی درباره موضوعات جزئی روزمره‌ای مانند غذا خوردن.

در خانواده‌های مستبد بر قدرت والدین بیش از اندازه تأکید می‌شود. والدین از فرزندان اطاعت بی‌چون و چرا می‌خواهند و لزومی برای ارائه دلیل نمی‌بینند. فرد مستبد که بیشتر پدر است، تصمیم‌گیرنده است و وظایف دیگر اعضای خانواده را تعیین می‌کند و آنچه را مطابق میل و دلخواه خود اوست به انجام می‌رساند. به گفته یکی از پژوهشگران، «پدر مستبد حتی برای کارهای مربوط به کودکان، امیال آنها را در نظر نمی‌گیرد و بنابراین، کودکان از حقوق خاص خود بهره‌مند نمی‌شوند (سالاری‌فر، ۱۳۸۹، ص ۸۷۲-۸۷۳). والدین این نوع خانواده‌ها نسبت به هم و نیز فرزندان، نادیده‌انگار، غافل و طردکننده

هستند. به هیچ وجه احساس مسئولیت و تعهد نکرده و هیچ کنترلی بر رفتار فرزندان شان ندارند. اعضای این خانواده خودمختار، بی‌قید و بند به اصول و روابط خانواده و کاملاً مشغول کار خود هستند، از امور هم بی‌خبرند و گاه با سلام و خداحافظی و احوالپرسی بیگانه‌اند. در واقع همه با هم، هم‌خانه هستند. اگر از والدین این خانواده بپرسید فرزندت کجاست؟ در پاسخ اظهار بی‌اطلاعی می‌کنند و می‌گویند: شاید در کوچه، شاید پشت بام، شاید خانه همسایه، نمی‌دانم بالاخره که برمی‌گردد.

پیشگیری از جرم: پیشگیری از جرم، یکی از راهبردهای اساسی در حوزه کنترل اجتماعی است که متشکل از مجموعه راهکارهای مستقیم و غیرمستقیم است که با هدف ایجاد موقعیت‌های بازدارنده از وقوع جرم و انحراف، طراحی و اجرا می‌شود. اهمیت و کارآمدی پیشگیری به حدی است که توانسته توجه صاحب‌نظران نظام‌های جزایی و حوزه‌های سیاست جنایی را به خود جلب کند. حتی بنیان‌گذاران مکتب کلاسیک که بیشتر در بیان اصول حاکم بر مجازات و اجرای آن سخن گفته‌اند نیز بر پیشگیری تأکید داشته و مفهوم «بازدارندگی» را به عنوان یکی از آثار پیشگیرانه مجازات، مطرح کرده‌اند. در این زمینه بکاریا در کتاب جرم و مجازات‌های خود، یادآور شده است که پیشگیری از وقوع جرم، بهتر از کیفر دادن است و هدف اصلی هر قانون‌گذاری صحیح، همین است که از وقوع جرم جلوگیری شود.^۱ نظام‌های جزایی نیز در درازمدت تجربه کرده‌اند که در صورت اجرای صحیح، پیشگیری، راه حلی به مراتب کارآمدتر و مؤثرتر از راهکارهایی است که پس از ارتکاب جرم انجام می‌شود. یافته‌های تجربی چند دهه اخیر نیز، صحت این امر را نشان داده‌اند. این یافته‌ها همچنین حاکی از آن هستند که پیشگیری، کاهشی قابل توجه را در نیروها و هزینه‌های لازم در کنترل اجتماعی در پی دارد (سلیمی و داوری، ۱۳۹۱، ص ۵۲۵-۵۲۶). در ادامه به کارکردهای پیشگیرانه فرزندپروری دینی اشاره می‌شود:

- **محبت به فرزند:** یکی از اساسی‌ترین نیازهای انسان پس از نیازهای زیستی، نیاز به محبت

است. نیاز به محبت حتی در برخی حیوانات نیز مشاهده می‌شود؛ هر چند این نیاز در انسان شدیدتر و نیاز کودکان به آن بیشتر است. خانواده، نخستین جایگاه کودک است، از این رو لازم است خانواده به ویژه والدین، به طور خاص به این نیاز کودک توجه داشته باشند و بدانند پاسخ‌گویی صحیح به این نیاز کودک، اساس و پایه تربیت او را تشکیل می‌دهد؛ زیرا ارضای صحیح این نیاز کودک، موجب آرامش روانی، امنیت خاطر، اعتماد به نفس، اعتماد به والدین و حتی سلامت جسمی او می‌شود و ارضا نشدن آن باعث از بین رفتن آرامش روحی و روانی، بی‌اعتمادی به خود و دیگران، احساس عجز و حقارت، بیماری‌های جسمی و روانی متعدد و انحرافات اجتماعی بسیاری خواهد شد (حسینی‌زاده، ۱۳۸۰، ص ۸۴-۸۵).

- احترام به فرزند: انسان، برترین مخلوقات است و اسلام، همواره حریم او را محترم شمرده است. این حرمت، بدون توجه به ویژگی‌های هر دسته و گروه برای تمامی انسان‌ها وجود دارد و جنسیت، قومیت، نژاد و حتی ایمان و بی‌ایمانی در آن دخالت ندارد (حسینی‌زاده، ۱۳۸۰، ص ۱۰۱-۱۰۲). همچنین، سن کم یا زیاد نیز دخالتی ندارد و بدون در نظر گرفتن ملاک‌های ثانوی، کودک و بزرگسال با هم مساوی و از کرامت یکسان برخوردارند، از این رو باید از احترام یکسان نیز برخوردار باشند (حسینی‌زاده، ۱۳۸۰، ص ۱۱۴).

- بازی با فرزند: بازی یک نیاز طبیعی برای کودک است و بدون آن کودک رشد سالمی نخواهد داشت. کودکی که به بازی کردن علاقه‌مند نباشد، تقریباً بیمار محسوب می‌شود. همه انسان‌ها حتی انبیا و اولیا در دوران کودکی تمایل به بازی داشته‌اند و کم و بیش به بازی می‌پرداخته‌اند و این نشان می‌دهد که بازی، از نیازهای طبیعی انسان است؛ البته این امر بر همگان روشن است. اما گاهی ممکن است که والدین با وجود آگاهی به این نیاز کودکان، توجه کافی به رفع این نیاز و آثار تربیتی فراوانی که در آن وجود دارد، نداشته باشند و از آثار زیان‌باری که در بی‌توجهی به این نیاز کودک و رفع نکردن آن وجود دارد غافل باشند (حسینی‌زاده، ۱۳۸۰، ص ۱۱۴).

- پرهیز از قهر و طرد طولانی: قهر و طرد نیز از جمله روش‌های تربیتی است که استفاده

نادرست از آن می‌تواند فرد را به حوزه بزهکاری بکشاند؛ زیرا قهر و طرد با یکی از مهم‌ترین نیازهای اساسی انسان که همان نیاز به محبت است هم‌خوانی ندارد. قهر و طرد طولانی فرزند را به طور جدی از محبت و عاطفه لازم و مورد نیاز او محروم می‌سازد که این امر او را در معرض نوعی اضطراب و تنش قرار می‌دهد که خود موجب امنیت روانی برای او می‌شود. فقدان محبت خانوادگی، سبب کاهش اعتماد به نفس و بی‌ثباتی و تشویق درونی طفل می‌شود. «اطفال مطرود و محروم از مهر و محبت والدین، ترسو، حسود، کینه‌توز و منزوی بوده، حالت هیجانی و اضطراب داشته، بی‌عاطفه، بی‌تفاوت، ناراضی، بی‌رحم و مسامحه‌کار می‌شوند و رفتار ضد اجتماعی آنان با دروغ‌گویی، سرقت، بی‌نظمی و بی‌انضباطی ظاهر می‌شود. اطفال، طرد شدن را به تحقیر، تعبیر کرده و احساس تنهایی می‌کنند و حس اعتماد به نفس که لازمه رشد شخصیت است در آنان تضعیف می‌شود. همچنین فرد را ناخودآگاه به جستجوی منابع تأمین‌کننده مهر و محبت و پذیرش بی‌چون و چرای آنان می‌کشاند؛ طبیعی است مجرمان حرفه‌ای که مترصد به چنگ آوردن ابزارهایی برای تسهیل کار خویش و تخفیف مجازات هستند، از این فرصت بهره لازم را می‌برند» (فقیهی و جوان، ۱۳۸۹، ص ۸۵).

- لزوم تشویق و تحسین مناسب: تشویق مؤثرترین عامل برای اصلاح و تقویت رفتار و یادگیری پایدار است. انسان اسیر محبت است. همه انسان‌ها از کوچک و بزرگ دوست دارند رفتارشان مورد تأیید دیگران قرار گیرد. بچه‌ها نیز تشنه محبت و تشویق والدین خود هستند. رشد مطلوب شخصیت بچه‌ها در گرو محبت و تشویق به موقع والدین است. وقتی رفتارهای مطلوب بچه‌ها تشویق شود، نه تنها کمیت این قبیل رفتارها افزایش می‌یابد و بیشتر می‌شود، بلکه کودکان از احساس خود ارزشمندی و اعتماد به نفس افزون‌تری برخوردار می‌شوند. تشویق و تقویت رفتارهای مطلوب، قدرت یادگیری، سازگاری شخصی و مهارت‌های اجتماعی کودکان را بیشتر می‌کند (فقیهی و جوان، ۱۳۸۹، ص ۸۶).

- پرهیز از تحقیر و توهین: از شیوه‌های رفتاری که گاه در بین مردم به طور عام و در

رابطه بین والدین و فرزندان به طور خاص به چشم می‌خورد، تحقیر و اهانت است. تحقیر به معنای کوچک کردن و پست شمردن طرف مقابل است. تحقیر ممکن است یک کلمه، اشاره و یا حرکت یک عضو باشد. این عمل، گاهی در برابر دیگران انجام می‌شود و شخص نزد آنان خوار و حقیر می‌شود و گاهی دور از چشم دیگران است و فرد نزد خودش خوار می‌شود و از مقامی که برای خود ترسیم کرده تنزل می‌یابد. هرچند گاهی این عمل، اثر تربیتی اندکی دارد و باعث تنبه فرد می‌شود، ولی آثار تخریبی آن به مراتب بیشتر است؛ افزون بر این که از رذایل اخلاقی هم به شمار می‌رود و وقتی مربی این رفتار را انجام می‌دهد، به درستی روشن نمی‌شود که آیا آن فعل با قصد تأثیر تربیتی بوده است و یا با هدف آزار و اذیت که از رذالت نفس فاعل آن سرچشمه می‌گیرد؟ و این ابهام، آسیب‌های ناشی از این رفتار را افزایش می‌دهد. به هر حال از آنجا که این رفتار متضاد با عزت و کرامت انسان است و باعث لطمه به شخصیت فرد می‌شود، به شدت از سوی شارع نهی شده است. خداوند در قرآن کریم، عزت بنده مؤمن را در ردیف عزت خود و رسول گرامی‌اش قرار داده، می‌فرماید: «و لله العزه و لرسوله و للمؤمنین»^۱؛ بنابراین همان طور که خداوند عزیز است بنده او نیز عزیز است و باید این عزت و کرامت او حفظ شود و هیچ کس حق ندارد خدشه‌ای بر آن وارد کند (قائمی مقدم، ۱۳۸۸، ص ۶۹).

روش

این پژوهش در دو بخش نظری و میدانی انجام شد. بخش نظری با مراجعه به منابع دینی و نیز کتب تربیتی و روان‌شناسی و هم‌چنین منابع جرم‌شناسی و به روش توصیفی-تحلیلی صورت گرفته و بخش میدانی به صورت پیمایشی و از طریق دو گروه آزمایش و گواه انجام شده است. برای جمع‌آوری داده‌های مربوط، پرسشنامه تهیه و میان ۷۶ کودک و نوجوان توزیع شد که ۴۰ نفر از آنها شامل نوجوانان عادی بودند و از میان دانش‌آموزان

یکی از دبیرستان‌های شهر قم و نیز از یکی از مؤسسه‌های آموزش زبان در این شهر انتخاب شدند و ۳۶ نفر دیگر کودکان و نوجوانان بزهکار مستقر در کانون اصلاح و تربیت استان قم بودند. پرسشنامه‌های کودکان بزهکار، در داخل کانون و با همکاری مددکار کانون پر شد. داده‌های جمع‌آوری شده در قالب اطلاعات جمعیت‌شناختی، روابط بین فردی و نگرش نوجوانان در رابطه با کارکردهای رشدی، کارکرد کنترلی و کارکرد جامعه‌پذیری بود. در بخش اول وضعیت دو گروه نوجوانان عادی و بزهکار از طریق آزمون‌های ناپارامتریک مانند مجذور کای آزمون شد. برای بررسی تفاوت دو گروه نوجوانان عادی و بزهکار در کارکردهای رشدی (تأمین نیازهای عاطفی، تأمین نیازهای روانی، تأمین نیازهای جسمانی، تأمین نیازهای معنوی)، کارکرد کنترلی (کنترل درونی، کنترل بیرونی، اختلال در کنترل) و کارکرد جامعه‌پذیری (آموزش ارزش‌ها، درونی کردن ارزش‌ها، الگوپذیری نابهنجار، شکل‌گیری خودپنداره منفی) از آزمون تفاوت (تی مستقل) استفاده شد.

یافته‌ها

نتایج به‌دست آمده نشان داد که از گروه عادی، ۱۶ نفر (۴۰ درصد) پسر و ۲۴ نفر (۶۰ درصد) دختر بودند، در گروه نوجوانان بزهکار نیز ۲۹ نفر (۸۱ درصد) پسر و ۷ نفر (۱۹ درصد) دختر بودند. میانگین سنی گروه عادی و بزهکار به ترتیب ۱۶/۴۳ و ۱۶/۷۸ و انحراف معیار سنی آنها نیز ۱/۹۵ و ۱/۹۶ بود. نتایج به‌دست آمده نشان داد که حدود ۸۶ درصد از پدران نوجوانان بزهکار دارای تحصیلاتی معادل راهنمایی و کمتر هستند، همچنین در گروه نوجوانان عادی حدود ۵۰ درصد از والدین تحصیلاتی بالاتر از دیپلم دارند. نتایج نشان می‌دهد که تحصیلات پدر در گروه نوجوانان عادی بالاتر از نوجوانان بزهکار است. نتایج بدست آمده از تحصیلات مادر دو گروه شرکت‌کننده حاکی از این است که حدود ۸۳ درصد از مادران فرزندان بزهکار دارای تحصیلات راهنمایی و کمتر هستند، این درحالی است که تحصیلات مادر در گروه نوجوانان عادی، اغلب بالاتر از دیپلم است.

محبت به فرزند: برای بررسی تفاوت نوجوانان بزهکار و عادی در میزان دریافت محبت از والدین از آزمون تی مستقل استفاده شد. شاخص‌های توصیفی این دو گروه در جدول ۱، نشان می‌دهد که میانگین میزان محبت در گروه عادی نسبت به گروه نوجوانان بزهکار بالاتر است.

جدول ۱. شاخص‌های توصیفی و توزیع متغیر محبت به فرزند در دو گروه عادی و بزهکار

گروه	میانگین	انحراف استاندارد	کجی	کشیدگی	کمترین نمره	بیشترین نمره
عادی	۲/۲۱	۰/۴۹	-۰/۹۴	-۰/۲۸	۱	۳
بزهکار	۱/۵۳	۰/۷۲	-۱/۲۱	-۰/۸۳	۰	۲/۶۷

نتایج آزمون همگنی واریانس نشان داد که واریانس دو گروه همگن نیست، به همین دلیل از آزمون تی مستقل با درجات آزادی اصلاح شده استفاده شد. نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد که بین دو گروه تفاوت معناداری وجود دارد. بدین معنی که میزان محبت به فرزند در گروه نوجوانان عادی بالاتر است.

جدول ۲. نتایج آزمون تی مستقل، تفاوت بین دو گروه نوجوانان عادی و بزهکار در محبت به فرزند

همگنی واریانس	مقدار تی	درجه آزادی	سطح معناداری	اختلاف میانگین	فاصله اطمینان
P	t	df	P	D	حد بالا / حد پایین
۰/۰۱	۴/۷۱	۶۰/۸۴	۰/۰۰۱	۰/۶۸	۰/۳۹ / ۰/۹۶

در گروه عادی ۳۲ نفر (۸۰ درصد) همیشه، ۶ نفر (۱۵ درصد) اغلب، ۲ نفر (۵ درصد) گاهی بیان کرده‌اند که پدر و مادر به آنها محبت می‌کنند و آنها را دوست دارند. در گروه بزهکار ۲۹ نفر (۶۹/۴ درصد) همیشه، ۴ نفر (۱۱/۱ درصد) اغلب، ۴ نفر (۱۱/۱ درصد) گاهی بیان کرده‌اند که پدر و مادر به آنها محبت می‌کنند و آنها را دوست دارند و ۳ نفر (۸/۳ درصد) با انتخاب هرگز بیان کرده‌اند که والدین به آنها محبت نکرده و آنها را دوست ندارند.

در گروه عادی ۱۵ نفر (۳۷/۵ درصد) همیشه، ۱۷ نفر (۴۲/۵ درصد) اغلب، ۸ نفر (۲۰ درصد) گاهی بیان کرده‌اند که پدر و مادرشان برای آنها در طی روز وقت کافی اختصاص می‌دهند، و هیچ کس نبود که هرگز برایش وقتی اختصاص داده نشده باشد. در گروه بزهکار ۴ نفر (۱۱/۱ درصد) همیشه، ۱۳ نفر (۳۶/۱ درصد) اغلب، ۱۱ نفر (۳۰/۶ درصد) گاهی بیان کرده‌اند که پدر و مادرشان برای آنها وقت کافی برای گفتگو اختصاص می‌دهد. و ۸ نفر (۲۲/۲ درصد) با انتخاب هرگز بیان کرده‌اند که والدین آنها هیچ وقتی را به آنها اختصاص نمی‌دهند.

در گروه عادی ۳۰ نفر (۷۵ درصد) همیشه، ۶ نفر (۱۵ درصد) اغلب، ۴ نفر (۱۰ درصد) گاهی بیان کرده‌اند که پدر و مادرشان علت ناراحتی را جویا می‌شوند. در گروه بزهکار ۸ نفر (۲۲/۲ درصد) همیشه، ۹ نفر (۲۵ درصد) اغلب، و ۱۲ نفر (۳۳/۳ درصد) گاهی بیان کرده‌اند که پدر و مادرشان علت ناراحتی‌شان را جویا می‌شوند، و ۷ نفر (۱۹/۴ درصد) با انتخاب هرگز بیان کرده‌اند که والدین‌شان هرگز علت ناراحتی‌شان را جویا نمی‌شوند.

در گروه عادی ۱۳ نفر (۳۲/۵ درصد) همیشه، ۱۵ نفر (۳۷/۵ درصد) اغلب، ۱۲ نفر (۳۰ درصد) گاهی بیان کرده‌اند که پدر و مادرشان از طریق هدیه و کلامی محبت‌شان را ابراز می‌کنند. در گروه بزهکار ۶ نفر (۱۶/۷ درصد) همیشه، ۸ نفر (۲۲/۲ درصد) اغلب، ۱۵ نفر (۴۱/۷ درصد) گاهی بیان کرده‌اند که پدر و مادرشان از طریق هدیه و کلامی محبت‌شان را ابراز می‌کنند، و ۷ نفر (۱۹/۴ درصد) با انتخاب هرگز بیان کرده‌اند که والدین‌شان از طریق هدیه و کلام محبت‌شان را ابراز نمی‌کنند.

۸۰ درصد از والدین گروه عادی گاهی و اغلب با بوسیدن و نوازش کردن فرزندان‌شان به آنها محبت می‌کنند و این درحالی است که در گروه نوجوانان بزهکار اغلب والدین هرگز و گاهی اوقات تنها از طریق بوسیدن و به آغوش کشیدن محبت‌شان را به فرزندان ابراز می‌کنند. در گروه عادی والدین اغلب برای فرزندان‌شان وقت می‌گذارند و این در حالی است که در گروه نوجوانان بزهکار والدین بیشتر هرگز و گاهی برای فرزندان‌شان وقت کافی داشته تا به حرف‌های آنها گوش کنند.

احترام به فرزند: برای بررسی تفاوت نوجوانان بزهکار و عادی در میزان احترام به فرزند توسط والدین از آزمون تی مستقل استفاده شد. شاخص‌های توصیفی این دو گروه در جدول ۳ نشان می‌دهد میانگین میزان احترام در گروه عادی نسبت به گروه نوجوانان بزهکار بالاتر است.

جدول ۳. شاخص‌های توصیفی و توزیع متغیر احترام به فرزند در دو گروه عادی و بزهکار

گروه	میانگین	انحراف استاندارد	کجی	کشیدگی	کمترین نمره	بیشترین نمره
عادی	۲/۲۱	۰/۵۶	-۱/۹۴	-۰/۱۲	۱	۳
بزهکار	۱/۳۱	۰/۸۴	-۰/۳۵	-۱/۵۳	۰	۲/۷۵

نتایج آزمون همگنی واریانس نشان داد که واریانس دو گروه همگن نیست. نتایج جدول ۴ حاکی از این است که بین دو گروه تفاوت معناداری وجود دارد، بدین معنی که میزان احترام به فرزند در گروه نوجوانان عادی بالاتر است.

جدول ۴. نتایج آزمون تی مستقل، تفاوت بین دو گروه نوجوانان عادی و بزهکار در احترام به فرزند

همگنی واریانس		مقدار تی	درجه آزادی	سطح معناداری	اختلاف میانگین	فاصله اطمینان
F	P	t	df	P	D	حد بالا / حد پایین
۱۰/۸۸	۰/۰۰۱	۵/۴۴	۶۰/۰۷	۰/۰۰۱	۰/۹۱	۰/۵۷ / ۱/۲۴

در گروه عادی والدین همیشه و اغلب به فرزندان‌شان با احترام رفتار می‌کنند، و این در حالی است که در گروه بزهکار حدود ۴۴ درصد از افراد هرگز و گاهی با آنها با احترام رفتار می‌شود. حدود ۸۰ درصد از والدین گروه نوجوانان عادی در اینگونه مهمانی‌ها از آنها تعریف و تمجید می‌کنند و این در حالی است که حدود ۵۲ درصد از نوجوانان بزهکار بر این عقیده‌اند که والدین آنها هرگز و گاهی از آنها تمجید و تعریف می‌شود. در گروه عادی ۸۵ درصد بر این عقیده‌اند که والدین‌شان آنها را فردی شایسته، ارزشمند و مفید می‌دانند،

همچنین در گروه نوجوانان بزهکار نتایج حاکی از این است که حدود ۴۰ درصد از این نوجوانان معتقد نیستند که والدینشان آنها را فردی شایسته و ارزشمند و مفید بدانند. در گروه عادی ۷ نفر (۱۷/۵ درصد) همیشه، ۱۹ نفر (۴۷/۶ درصد) اغلب، ۱۱ نفر (۲۷/۵ درصد) گاهی بیان کرده‌اند که پدر و مادر به آنها اجازه دخالت در تصمیم‌گیری‌های خانوادگی را می‌دهند. در گروه بزهکار ۱۴ نفر (۳۸/۹ درصد) با انتخاب هرگز بیان کرده‌اند که والدینشان به آنها اجازه دخالت در تصمیم‌گیری‌های خانوادگی را نمی‌دهند. بازی با فرزندان: شاخص‌های توصیفی این دو گروه در جدول ۵ نشان می‌دهد میانگین میزان بازی کردن با فرزندان در گروه عادی نسبت به گروه نوجوانان بزهکار بالاتر است.

جدول ۵. شاخص‌های توصیفی و توزیع متغیر بازی با فرزند در دو گروه عادی و بزهکار

گروه	میانگین	انحراف استاندارد	کجی	کشیدگی	کمترین نمره	بیشترین نمره
عادی	۱/۷۱	۰/۷۴	-۰/۲۹	-۰/۹۹	۰	۳
بزهکار	۱/۳۶	۰/۸۷	-۰/۳۰	-۱/۵۴	۰	۲/۶۷

نتایج آزمون همگنی واریانس نشان داد که واریانس دو گروه همگن است، به همین دلیل از آزمون تی مستقل استفاده شد. نتایج جدول ۶ نشان می‌دهد که بین دو گروه تفاوت معناداری وجود ندارد. بدین معنی که میزان بازی کردن با فرزندان در دو گروه یکسان است.

جدول ۶. نتایج آزمون تی مستقل، تفاوت بین دو گروه نوجوانان عادی و بزهکار در بازی با فرزند

همگنی واریانس	مقدار تی	درجه آزادی	سطح معناداری	اختلاف میانگین	فاصله اطمینان
F	P	df	P	D	حد بالا حد پایین
۱/۸۲	۰/۱۸	۷۴	۰/۰۶	۰/۳۵	۰/۰۲ ۰/۷۲

۷۵ درصد از والدین نوجوانان عادی با فرزندان‌شان بازی می‌کنند و این در حالی است که ۶۱ درصد از نوجوانان عادی بر این عقیده‌اند که والدین‌شان هرگز و گاهی با آنها بازی می‌کنند. گروه نوجوانان عادی بر این عقیده بودند که بازی و تفریح آنها برای والدین‌شان دارای اهمیت و ارزش است، ۲۰ درصد از نوجوانان بزهکار بیان کرده‌اند که هیچ ارزشی برای آنها ندارد، و ۳۷ درصد معتقد به اهمیت بسیار کم بازی و تفریح آنها برای والدین هستند.

پرهیز از قهر و طرد: شاخص‌های توصیفی این دو گروه در جدول ۷ نشان می‌دهد میانگین پرهیز از قهر و طرد در گروه عادی نسبت به گروه نوجوانان بزهکار بالاتر است.

جدول ۷. شاخص‌های توصیفی و توزیع متغیر پرهیز از قهر و طرد در دو گروه عادی و بزهکار

گروه	میانگین	انحراف استاندارد	کجی	کشیدگی	کمترین نمره	بیشترین نمره
عادی	۲/۵۵	۰/۳۴	-۰/۳۲	-۰/۹۳	۲	۳
بزهکار	۱/۶۴	۰/۷۹	-۰/۶۵	-۰/۶۶	۰	۳

نتایج آزمون همگنی واریانس نشان داد که واریانس دو گروه همگن نیست، به همین دلیل از آزمون تی مستقل با درجات آزادی اصلاح شده استفاده شد. نتایج جدول ۸ نشان می‌دهد که بین دو گروه تفاوت معناداری وجود دارد. بدین معنی که والدین فرزندان بزهکار بیشتر آنها را از خانه بیرون کرده‌اند.

جدول ۸. نتایج آزمون تی مستقل، تفاوت بین دو گروه نوجوانان عادی و بزهکار در پرهیز از قهر و طرد

فاصله اطمینان		اختلاف میانگین	سطح معناداری	درجه آزادی	مقدار تی	همگنی واریانس
حد بالا	حد پایین	D	P	df	t	P
۱/۲۰	۰/۶۳	۰/۹۱	۰/۰۰۱	۴۶/۲۴	۶/۴۲	۰/۰۰۱
						۲۲/۶۲

در گروه عادی ۹۲ درصد بر این عقیده‌اند که والدین‌شان هرگز آنها را تهدید به اخراج از منزل نکرده‌اند. در گروه نوجوانان بزهکار حدود ۱۱ درصد همیشه تهدید به بیرون شدن از منزل شده‌اند و ۳۳ درصد اغلب اوقات این وضعیت را داشته‌اند. ۶۲ درصد از والدین نوجوانان عادی گاهی و ۲۷ درصد از آنها هرگز با آنها قهر نکرده‌اند. اما در گروه نوجوانان بزهکار ۴۷ درصد از نوجوانان بر این عقیده بوده‌اند که والدین‌شان اغلب و همیشه از آنها قهر کرده‌اند.

تشویق و تحسین مناسب: برای بررسی تفاوت نوجوانان بزهکار و عادی در میزان دریافت تشویق و تحسین شدن توسط والدین از آزمون تی مستقل استفاده شد. شاخص‌های توصیفی این دو گروه در جدول ۹ نشان می‌دهد میانگین میزان تشویق و تحسین در گروه عادی نسبت به گروه نوجوانان بزهکار بالاتر است.

جدول ۹. شاخص‌های توصیفی و توزیع متغیر تشویق و تحسین مناسب در دو گروه عادی و بزهکار

گروه	میانگین	انحراف استاندارد	کجی	کشیدگی	کمترین نمره	بیشترین نمره
عادی	۲/۵۸	۰/۵۵	-۲/۱۴	۰/۵۹	۱	۳
بزهکار	۱/۵۶	۱/۲۳	-۰/۱۰	-۲/۱۰	۰	۳

نتایج آزمون همگنی واریانس نشان داد که واریانس دو گروه همگن نیست، به همین دلیل از آزمون تی مستقل با درجات آزادی اصلاح شده استفاده شد. نتایج حاکی از این بود که بین دو گروه تفاوت معناداری وجود دارد. بدین معنی که میزان تشویق و تحسین مناسب توسط والدین به فرزندان در گروه نوجوانان عادی بالاتر است. ۹۷ درصد از نوجوانان عادی در صورتی که کار شایسته‌ای انجام بدهند، تشویق می‌شوند. این در حالی است که گروه بزهکار تنها ۳۳ درصد از آنها از کار ارزشمندی انجام بدهند، تشویق می‌شوند.

پرهیز از تحقیر و توهین: برای بررسی تفاوت نوجوانان بزهکار و عادی در میزان پرهیز والدین از تحقیر و توهین به فرزندان از آزمون تی مستقل استفاده شد. شاخص‌های توصیفی

این دو گروه در جدول ۱۰ نشان می‌دهد که میانگین میزان پرهیز از تحقیر و توهین در گروه عادی نسبت به گروه نوجوانان بزهکار بالاتر است.

جدول ۱۰. شاخص‌های توصیفی و توزیع متغیر پرهیز از تحقیر و توهین در دو گروه عادی و بزهکار

گروه	میانگین	انحراف استاندارد	کجی	کشیدگی	کمترین نمره	بیشترین نمره
عادی	۲/۷۸	۰/۳۲	-۳/۳۳	۰/۵۳	۲	۳
بزهکار	۱/۸۶	۰/۹۴	-۰/۹۰	-۰/۹۲	۰	۳

نتایج آزمون همگنی واریانس نشان داد که واریانس دو گروه همگن نیست، به همین دلیل از آزمون تی مستقل با درجات آزادی اصلاح شده استفاده شد. نتایج جدول ۱۱ نشان می‌دهد که بین دو گروه تفاوت معناداری وجود دارد. بدین معنی که میزان پرهیز از تحقیر و توهین به نوجوانان در گروه نوجوانان عادی بالاتر است.

جدول ۱۱. نتایج آزمون تی مستقل، تفاوت بین دو گروه نوجوانان عادی و بزهکار در پرهیز از تحقیر و توهین

فاصله اطمینان		اختلاف میانگین	سطح معناداری	درجه آزادی	مقدار تی	همگنی واریانس
حد بالا	حد پایین	D	P	df	t	P
۱/۲۵	۰/۵۸	۰/۹۱	۰/۰۰۱	۴۲/۴۲	۵/۵۴	۰/۰۰۱

۳۷ درصد از آنها گاهی از اوقات تحقیر می‌شوند. اما ۴۸ درصد از نوجوانان بزهکار اغلب و همیشه با آنها با حالت تحقیرآمیز برخورد می‌کنند. در گروه عادی ۹۲ درصد از والدین فرزندان‌شان را با الفاظ رکیک و توهین صدا نمی‌کنند، و در گروه بزهکار ۳۰ درصد از آنها معتقد بودند که اغلب و همیشه مورد توهین قرار گرفته و الفاظ رکیک درباره آنها به کار رفته است. همچنین ۷۷ درصد از نوجوانان عادی در جمع فامیل هرگز تحقیر نشده بودند، و تنها ۲۲ درصد از آنها گاهی اوقات تحقیر شده بودند. در گروه بزهکار ۱۴ درصد از

شرکت کنندگان اغلب و همیشه تحقیر شده بودند.

پرهیز از القاب ناشایست: برای بررسی تفاوت نوجوانان بزهکار و عادی در میزان پرهیز از القاب ناشایست از آزمون تی مستقل استفاده شد. شاخص‌های توصیفی این دو گروه در جدول ۱۲ نشان می‌دهد میانگین پرهیز از القاب ناشایست در گروه عادی نسبت به گروه نوجوانان بزهکار بالاتر است.

جدول ۱۲. شاخص‌های توصیفی و توزیع متغیر پرهیز از القاب ناشایست در دو گروه عادی و بزهکار

گروه	میانگین	انحراف استاندارد	کجی	کشیدگی	کمترین نمره	بیشترین نمره
عادی	۲/۳۵	۰/۷۷	۲/۸۴	۱/۱۱	۰	۳
بزهکار	۱/۲۵	۱/۰۵	۱/۴۱	-۱/۰۶	۰	۳

نتایج آزمون همگنی واریانس نشان داد که واریانس دو گروه همگن است، به همین دلیل از آزمون تی مستقل استفاده شد. نتایج جدول ۱۳ نشان می‌دهد که بین دو گروه تفاوت معناداری وجود دارد. بدین معنی که والدین گروه عادی به فرزندان‌شان القاب ناشایست منتسب نمی‌کنند.

جدول ۱۳. نتایج آزمون تی مستقل، تفاوت بین دو گروه نوجوانان عادی و بزهکار در پرهیز از القاب ناشایست

همگنی واریانس	مقدار تی	درجه آزادی	سطح معناداری	اختلاف میانگین	فاصله اطمینان
F	t	df	P	D	حد پایین حد بالا
۲/۸۵	۵/۲۴	۷۴	۰/۰۰۱	۱/۱۰	۰/۶۸ ۱/۵۲

در گروه عادی ۸۷ درصد از والدین آنها را با القاب توهین آمیز خطاب نکرده‌اند و این در حالی است که ۷۰ درصد از نوجوانان بزهکار توسط والدین با القاب توهین آمیز خطاب کرده‌اند.

امنیت خانوادگی: برای بررسی تفاوت نوجوانان بزهکار و عادی در میزان دریافت امنیت خانوادگی از آزمون تی مستقل استفاده شد. شاخص‌های توصیفی این دو گروه در جدول ۱۴ نشان می‌دهد میانگین میزان محبت در گروه عادی نسبت به گروه نوجوانان بزهکار بالاتر است.

جدول ۱۴. شاخص‌های توصیفی و توزیع متغیر امنیت خانوادگی در دو گروه عادی و بزهکار

گروه	میانگین	انحراف استاندارد	کجی	کشیدگی	کمترین نمره	بیشترین نمره
عادی	۲/۴۶	۰/۵۸	۵/۶۴	۹/۸۰	۰	۳
بزهکار	۱/۲۹	۰/۹۴	۰/۳۹	-۱/۴۸	۰	۳

نتایج آزمون همگنی واریانس نشان داد که واریانس دو گروه همگن نیست، به همین دلیل از آزمون تی مستقل با درجات آزادی اصلاح شده استفاده شد. نتایج جدول ۱۵ حاکی از این بود که بین دو گروه تفاوت معناداری وجود دارد. بدین معنی که میزان امنیت خانوادگی در گروه نوجوانان عادی بالاتر است

جدول ۱۵. نتایج آزمون تی مستقل، تفاوت بین دو گروه نوجوانان عادی و بزهکار در امنیت خانوادگی

فاصله اطمینان		اختلاف میانگین	سطح معناداری	درجه آزادی	مقدار تی	همگنی واریانس
حد بالا	حد پایین	D	P	df	t	P
۱/۵۳	۰/۸۱	۱/۱۷	۰/۰۰۱	۵۷/۳۳	۶/۴۶	۰/۰۰۱

در گروه عادی ۷۷ درصد از شرکت‌کنندگان در محیط خانه شاهد مشاجرات والدین نبوده‌اند، و این در حالی است که در گروه بزهکار حدود ۷۰ درصد اغلب و همیشه، شاهد مشاجره و جر و بحث والدین هستند. از نظر دعوای فیزیکی بین والدین ۹۰ درصد از

نوجوانان عادی بیان کردند که هرگز شاهد کتک کاری نبوده‌اند، و این در حالی است که ۵۰ درصد از نوجوانان بزهکار بر این عقیده بوده‌اند که همیشه و اغلب شاهد کتک کاری و دعوای فیزیکی والدین بوده‌اند.

پرهیز از تنبیه بدنی: برای بررسی تفاوت نوجوانان بزهکار و عادی در پرهیز از تنبیه بدنی توسط والدین از آزمون تی مستقل استفاده شد. شاخص‌های توصیفی این دو گروه در جدول ۱۶ نشان می‌دهد میانگین پرهیز از تنبیه در گروه عادی نسبت به گروه نوجوانان بزهکار بالاتر است.

جدول ۱۶. شاخص‌های توصیفی و توزیع متغیر پرهیز از تنبیه بدنی در دو گروه عادی و بزهکار

گروه	میانگین	انحراف استاندارد	کجی	کشیدگی	کمترین نمره	بیشترین نمره
عادی	۲/۳۸	۰/۷۴	-۳/۰۵	۱/۸۱	۰	۳
بزهکار	۱/۰۶	۱/۰۹	۱/۸۲	-۰/۹۹	۰	۳

نتایج آزمون همگنی واریانس نشان داد که واریانس دو گروه همگن است، به همین دلیل از آزمون تی مستقل استفاده شد. نتایج جدول ۱۷ حاکی از این بود که بین دو گروه تفاوت معناداری وجود دارد. بدین معنی که پرهیز از تنبیه بدنی در گروه نوجوانان عادی بالاتر است.

جدول ۱۷. نتایج آزمون تی مستقل، تفاوت بین دو گروه نوجوانان عادی و بزهکار در پرهیز از تنبیه بدنی

همگنی واریانس	مقدار تی	درجه آزادی	سطح معناداری	اختلاف میانگین	فاصله اطمینان
F	P	t	df	D	حد بالا حد پایین
۳/۶۰	۰/۰۶	۶/۲۱	۷۴	۱/۳۲	۰/۹۰ ۱/۷۴

نود درصد از نوجوانان عادی بر این عقیده بودند که توسط والدین‌شان تنبیه بدنی نشده‌اند و ۷۳ درصد از نوجوانان بزهکار بر این عقیده بودند که اغلب و همیشه توسط والدین‌شان کتک خورده و تنبیه شده‌اند

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که فرزندپروری دارای ۳ حوزه اساسی رشدی، جامعه‌پذیری و کنترلی است و در هر یک از این حوزه‌ها، چندین متغیر تأثیرگذار، از آیات و روایات استخراج شده است. یافته‌های این پژوهش را می‌توان به صورت زیر جمع‌بندی کرد:

۱. در زمینه کارکرد رشدی خانواده، در روایات دینی بر تأمین نیازهای جسمانی، عاطفی، روانی و معنوی فرزندان بسیار تأکید شده است. از آنجا که فرزندان در سنین کودکی و نوجوانی وابستگی عمیقی به خانواده و والدین خود دارند، وظیفه تأمین این نیازها بر عهده والدین بوده و بی‌توجهی به آنها، اثرات منفی بر شخصیت و آینده فرزندان بر جای خواهد گذاشت.

۲. در مورد نیازهای جسمانی، والدین موظف هستند از راه‌های حلال کسب درآمد کرده و خوراک و پوشاک و مسکن مناسب را برای فرزندان فراهم کنند. در متون دینی تأکید بسیاری بر درآمد و غذای حلال و دوری از مال و غذای حرام شده و آثار شوم مال حرام در نسل انسان گوشزد شده است. در میان کودکان و نوجوانان بزهکار کانون اصلاح و تربیت قم، ۳۰ درصد گفته‌اند که والدین‌شان هرگز خمس نمی‌دهند و ۲۲ درصد نیز بیان کردند که والدین آنها هرگز به مال حلال و حرام اهمیت نمی‌دهند و ۱۶ درصد گاهی اهمیت می‌دهند. این نشان می‌دهد که مطابق روایات، مال حرام می‌تواند تأثیری بسیار منفی بر نسل انسان گذاشته و او را به انحراف بکشاند که در واقع خودداری والدین از پرداخت وجوه شرعی و اهمیت ندادن به حلال و حرام، می‌تواند در بزهکاری فرزندان مؤثر باشد.

۳. در زمینه نیازهای جسمانی، یکی دیگر از موضوعات مهم و مؤثر بر شخصیت فرزندان، شرایط و حالات مادر در دوران بارداری است که به شدت بر ویژگی‌های فرزند در سال‌های بعد تأثیرگذار است. در روایات دینی، توصیه‌های فراوانی در این زمینه وجود دارد که رعایت آنها می‌تواند در شکل‌گیری شخصیتی متعادل، آرام و اجتماعی در کودک مؤثر

باشد. امروزه این توصیه‌ها از نظر علم روان‌شناسی و جرم‌شناسی اثبات شده است. ۴. در زمینه تأمین نیازهای عاطفی، اولین نکته، محبت کردن به فرزندان از سوی والدین و ابراز این محبت به روش‌های گوناگونی نظیر بوسیدن، نوازش کردن، در آغوش کشیدن، هدیه دادن و مانند آن است. همچنین محبت کردن می‌تواند به این شکل باشد که والدین، وقت کافی برای گفت و گو با فرزند اختصاص بدهند و علت ناراحتی‌های او را جویا شوند. بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر، ۸۰ درصد نوجوانان عادی معتقدند که والدین همیشه آنها را دوست دارند و به ایشان محبت می‌کنند و هیچ یک از گزینه هرگز استفاده نکرده‌اند. اما در میان نوجوانان بزهکار حدود ۹ درصد اعلام کرده‌اند که والدین هرگز به آنها محبت نکرده و دوستشان ندارند.

۵. سومین متغیر مهم در ارتباط با نیازهای عاطفی، بازی با فرزند و اهمیت دادن به بازی اوست. بازی یکی از نیازهای طبیعی کودک است و بدون آن کودک رشد سالمی نخواهد داشت. اگر کودک از بازی محروم شود، افسرده شده و رشدش مختل خواهد شد. پیشوایان دینی ما هم در زندگی خود به این نیاز طبیعی کودکان توجه کافی داشتند و حتی با آنها بازی می‌کردند. بر اساس یافته‌های پژوهش میدانی، والدین کودکان و نوجوانان بزهکار، کمتر از نوجوانان عادی با آنها بازی می‌کنند زیرا تنها ۱۹ درصد بیان کردند که والدین اغلب یا همیشه با آنها بازی می‌کنند و ۳۳ درصد گفتند که پدر و مادر هرگز با آنها بازی نمی‌کنند. در حالی که بیش از نیمی از نوجوانان غیر بزهکار اظهار کردند که والدین اغلب با آنها بازی می‌کنند.

۶. یکی از نیازهای اساسی انسان، نیاز به محبت و دوست داشتن است و قهر و طرد از جمله موضوعاتی است که با این نیاز همخوانی ندارد و می‌تواند فرد را به سوی بزهکاری بکشاند. قهر و طرد طولانی با کودک، او را از محبت محروم می‌سازد و وی را در معرض اضطراب و تنش قرار می‌دهد. این کودکان احساس تنهایی کرده و اعتماد به نفس خود را از دست می‌دهند و تشنه محبت دیگران می‌شوند و طعمه مناسبی برای مجرمان حرفه‌ای خواهند بود

که به دنبال به چنگ آوردن ابزارهایی برای تسهیل کار خویش و تخفیف مجازات خود هستند.

۷. یکی از مؤثرترین روش‌های تربیتی برای اصلاح و تقویت رفتار کودک، تشویق و تحسین به‌جا و به‌موقع است. انسان نیازمند محبت است و دوست دارد رفتارش مورد توجه دیگران قرار گیرد. کودکان نیز تشنه توجه و تحسین والدین خود هستند. وقتی رفتار مطلوب بچه‌ها از سوی والدین تأیید و تشویق شود، کمیت و تداوم این رفتارها بیشتر می‌شود و کودکان نیز احساس خودارزشمندی می‌کنند و اعتماد به نفس بیشتری می‌یابند. حاصل پژوهش میان کودکان و نوجوانان عادی و بزهکار استان قم، حاکی از وجود تفاوت معنادار در زمینه تشویق والدین است. به این معنا که والدین کودکان عادی، در صورت انجام کار شایسته، بیشتر آنها را مورد تحسین و تشویق قرار می‌دادند.

۸. متغیر مهم دیگر در ارتباط با کارکرد رشدی فرزندپروری دینی، تأمین نیازهای روانی کودک است. اولین نکته در این رابطه که باید توسط والدین رعایت شود، پرهیز از تحقیر و توهین به کودک است. در صورتی که این عمل در برابر دیگران انجام شود، آثار مخرب‌تری را بر شخصیت کودک برجای می‌گذارد. تحقیر کودک و توهین به او، پیامدهای نامطلوبی نظیر احساس حقارت و خودکم بینی، کمبود اعتماد به نفس، افسردگی و کناره‌گیری از جامعه را در شخصیت او به دنبال خواهد داشت که هر یک به تنهایی می‌تواند زندگی او را به شدت مختل سازد و موجب گرایش او به سمت بزهکاری و انحراف شود. پاسخ‌های کودکان و نوجوانان بزهکار کانون اصلاح و تربیت قم حاکی از آن است که ۲۲ درصد همیشه و ۲۵ درصد اغلب توسط والدین تحقیر می‌شوند در حالی که هیچ‌یک از نوجوانان غیر بزهکار گزینه همیشه یا اغلب را انتخاب نکرده بود. همچنین ۹۲ درصد از غیر بزهکاران بیان کردند که والدین هرگز با الفاظ رکیک به ایشان توهین نمی‌کنند. اما در میان والدین نوجوانان بزهکار، ۳۶ درصد هرگز و ۱۳ درصد همیشه با الفاظ رکیک به آنها توهین می‌کنند.

۹. از دیگر راه‌های تأمین سلامت روانی کودکان و نوجوانان، وجود امنیت و ثبات و آرامش در خانواده است. اختلافات زناشویی و نبود روابط صمیمی میان والدین، فضای خانه را متشنج کرده و جو سرد عاطفی را به وجود می‌آورد. مشاهده بحث و جدل تلخ و ناتمام و حل نشدنی والدین، بچه‌ها را بسیار پریشان می‌کند و تحمل این اختلافات برای پسران دشوارتر از دختران است و باعث می‌شود عصبی مزاج، خودسر و نامنظم شوند و بیشتر به سمت بزهکاری کشیده شوند. جدایی والدین به دلایلی چون مرگ، طلاق و غیبت طولانی یکی از والدین نیز، مشکلات فراوانی را در روند رشد فرزندان ایجاد می‌کند که عواقب آن در پسران، رفتارهای ضد اجتماعی و در دختران فساد و کینه‌ورزی‌های شدید است. پژوهش انجام شده در کانون اصلاح و تربیت قم نشان می‌دهد که در میان کودکان و نوجوانان بزهکار، ۳۸ درصد همیشه و ۳۰ درصد اغلب در خانه شاهد مشاجره و جر و بحث والدین بوده‌اند.

۱۰. روان‌شناسان معتقدند آثار تربیتی تنبیه بدنی در برابر آسیب‌های آن ناچیز است. فردی که کودک را تنبیه بدنی می‌کند در واقع با این رفتار، الگوی پرخاشگرانه‌ای را به کودک ارائه می‌کند و ناخواسته به او می‌آموزد که در موقعیت پرخاشگری چگونه عمل کند. تنبیه بدنی همچنین موجب ایجاد احساس حقارت در فرزند و دلگیر شدن او از تنبیه کننده می‌شود و ارتباط او را با والدین ویران ساخته، زمینه فرار او از خانه و جذب شدن در گروه‌های ناباب را فراهم می‌کند. در میان کودکان و نوجوانان بزهکار قم، ۳۸ درصد همیشه و ۳۳ درصد اغلب توسط والدین کتک خورده و تنبیه بدنی شده‌اند. این در حالی است که این میزان درباره نوجوانان غیر بزهکار، ۲/۵ و ۷/۵ درصد است.

۱۱. آخرین متغیر در رابطه با کارکرد رشدی، تأمین نیازهای معنوی فرزندان است. اعتقاد به نبوت و امامت در زمینه ایجاد الگوی مناسب در فرزندان تأثیر زیادی دارد. باور به زندگی پس از مرگ و حسابرسی اعمال در روز قیامت مانع از ارتکاب گناهان و پایمال کردن حق دیگران می‌شود. بر اساس نتایج این پژوهش، ۸۰ درصد نوجوانان غیر بزهکار عنوان کردند که پدر و مادرشان همیشه در سختی‌ها و مشکلات بر خدا توکل می‌کنند، در

حالی که تنها ۳۳ درصد از والدین نوجوانان بزهکار در سختی‌ها چنین عمل می‌کردند و ۲۵ درصدشان هرگز چنین اعتقادی نداشتند.

پیشنهادها

از آنجایی که جامعه ایران، جامعه‌ای مذهبی است و اعتقادات دینی در میان بیشتر مردم ارزشمند تلقی می‌شود، بنابراین توصیه‌های تربیتی از منظر دینی نفوذ بیشتری در میان مردم دارد و می‌توان با ارائه سبک فرزندپروری دینی به خانواده‌ها، در صدد اصلاح شیوه‌های نادرست و رایج تربیت فرزند و در نتیجه آثار مخرب آن در آینده بر شخصیت فرزندان برآمد. برای عرضه این سبک جامع در زمینه فرزندپروری می‌توان از شیوه‌های اجرایی برنامه‌های عمومی در ارتباط با روش‌های فرزندپروری دینی برای خانواده‌ها از طریق صدا و سیما؛ برگزاری نمایشگاه‌های در این رابطه و نیز سخنرانی توسط کارشناسان مربوطه در مساجد و اماکن مذهبی و تبلیغ و معرفی سبک فرزندپروری دینی در برنامه‌های کودک و نوجوان، فیلم‌ها و سریال‌ها و سایر برنامه‌هایی که می‌تواند معارف دینی و این نوع روش تربیتی را برای استفاده مردم در ایران و سایر جوامع عرضه کند؛ استفاده کرد. برنامه‌های یادشده در زمینه آگاهی‌بخشی خانواده‌ها درباره دیدگاه دین نسبت به تربیت و اصلاح شیوه‌های نادرست فرزندپروری هستند تا بدین وسیله دستورات و سفارش‌های دین در متن زندگی مردم اعمال شود. همچنین در زمینه پیشگیری از جرم، می‌توان با شناسایی کودکان در معرض خطر، برنامه‌های پیشگیرانه را بر مبنای معارف دینی طراحی و در جامعه اجرا کرد.

سپاسگزاری

پژوهشگران بر خود لازم می‌دانند از کلیه کسانی که در دبیرستان‌ها و کانون اصلاح و تربیت شهر قم در انجام پژوهش حاضر نقش آفرینی کردند، تشکر و قدردانی کنند.

منابع

قرآن کریم.

- نهج البلاغه. (۱۳۸۷). محمد دشتی، مترجم ویراست دوم. چاپ دوم. تهران: انتشارات اسوه.
- اکبری، محمود. (۱۳۸۸). *مذهب‌گرایی و مذهب‌گریزی جوانان*. قم: فتیان.
- بی‌ریا، ناصر. (۱۳۸۵). *روان‌شناسی رشد*. چاپ چهارم. تهران: انتشارات سمت.
- حسینی‌زاده، سیدعلی. (۱۳۸۰). *سیره تربیتی پیامبر (ص) و اهل بیت (ع)*. جلد اول: تربیت فرزند. چاپ هشتم. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- حسینی‌زاده، سیدعلی؛ داوودی، محمد. (۱۳۸۹). *سیره تربیتی پیامبر (ص) و اهل بیت (ع)*. جلد دوم: تربیت دینی. زیر نظر علیرضا اعرافی. چاپ ششم. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- زارع شاه‌آبادی، اکبر؛ اسدزاد، فرزانه و تیموری، فاطمه. (۱۳۹۹). *مقایسه نقش خانواده و مدرسه در جامعه‌پذیری دینی دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه فیروزآباد*. *فصلنامه علمی تربیت اسلامی*، ۱۵(۳۲)، صص ۹۳-۱۱۶.
- سالاری‌فر، محمدرضا. (۱۳۸۹). *خانواده در نگرش اسلام و روان‌شناسی*. تهران: انتشارات سمت.
- سلیمی، علی و داوری، محمد. (۱۳۹۱). *جامعه‌شناسی کجروی*. ویرایش دوم. چاپ پنجم. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- شکوهی یکتا، محسن. (۱۳۸۵). *مطالعه تطبیقی سبک‌های فرزندپروری*. *دوفصلنامه علمی پژوهشی تربیت اسلامی*، ۲(۳).
- فرهینی فراهانی، محسن. (۱۳۹۸). *نقش تربیت در پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی (با تأکید بر اهداف، اصول، روش‌ها و شیوه‌های تربیت اسلامی)*. *مطالعات اسلامی آسیب‌های اجتماعی*، ۲(۱)، صص ۶۱-۸۸.
- فقیهی، علی نقی و آرامش روان. (۱۳۸۹). *مشکلات، مشاوره و درمانگری با نگرش اسلامی*. چاپ هفتم. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- قائم‌مقدم، محمدرضا. (۱۳۸۸). *روش‌های آسیب‌زا در تربیت از منظر اسلامی*. چاپ چهارم. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- قمی، صدوق، محمد بن علی بن بابویه. (۱۴۱۳). *من لایحضره الفقیه*. چاپ دوم. قم: دفتر انتشارات وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۴۱۰). *بحار الانوار*. بیروت: مؤسسه الطبع والنشر.
- محمدی، شهرام؛ بیژنی میرزا، طیبه و حاتمی، مهدی. (۱۳۹۷). *نقش خانواده، مدرسه و رسانه در پیشگیری از وقوع جرم با تأکید بر معیارهای بین‌المللی حاکم بر تعهد دولت‌ها در آموزش افراد*. *تدریس پژوهی*، ۶(۴)، صص ۲۳۸-۲۵۸.
- معظمی، شهلا. (۱۳۸۸). *بزهکاری کودکان و نوجوانان*. تهران: نشر دادگستر.
- معین، محمد. (۱۳۸۶). *فرهنگ معین (یک جلدی)*. چاپ دوم. تهران: زرین.
- مکتوبیان بهارنچی، آسبه؛ کلانتر کوشه، سید محمد و خوانین زاده، محمدحسین. (۱۳۹۴). *ساخت و هنجاریابی پرسشنامه فرزندپروری در نگرش اسلامی*. *فصلنامه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی*، ۲۳(۲۷).
- مهدوی، محمود. (۱۳۹۱). *پیشگیری از جرم (پیشگیری رشدمدار)*. چاپ دوم. تهران: انتشارات سمت.

